

پیشروای راه سوی امید

www.ketab.ir

یداله فقیهی

سرشناسه	فقهیه، یدالله، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور	پنجره‌ای به سوی امید/یدالله فقهیه.
مشخصات نشر	کرج: انتشارات ملومه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۳۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۲-۰۸-۲ ریال ۸۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
زبان	داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴/۹۷۵ پ ۸۱۶۹ PIR
زبان دیوبی	۳/۶۲۱۶۸
شماره کتابشناسی	۳۹۲۲۵۷۷



پنجره ای به سوی امید

نویسنده: یدالله فقهیه

چاپ : اول / ۱۳۹۴

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۲-۰۸-۲

حروف چینی : مهرداد کمال پور - کتاب فروشی دانش

ویراستار : حسن گوهری

طرح جلد : فائزه رهگذر

نظارت چاپ : خسرو نظری ملومه

چاپ و صحافی : پردیس دانش

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

آدرس: کرج، خیابان قلم، اول جواد آباد، پاساژ ایفل، واحد ۲۸

تلفن تماس: ۰۹۳۵۵۶۶۸۹۶۷ - ۰۹۱۲۵۶۶۸۹۶۴ - ۰۲۶۳۴۵۳۱۴۰۰

مقدمه (نویسنده)

زبان فارسی از دیرباز گستره هویت ایرانیان بوده و پرتو خورشید گونه آن در سراسر کیتی وضوح دیده می شود.

بارها از خود پرسیده ام چاوند می شود که بیکره زبان، فرهنگ، تاریخ، ادبیات و هویت یک جامعه در بست خود گسترش می یابد و روشنی بخش راهی می شود که در آن بدون هیچ واسطه ای قدم می گذارد و خود را در پرتو آن درخشانتر و شادابتر و بیش تر می بیند.

یکی از باورهای نویسنده بر این است که هنر کلامی یکسند و زبان و گذرای نهاد هر کشوری در بیا نگهداشتن هویت ملی آن بر زمین داشته است که نویسندگان و خاطره پردازان آن مرز و بوم در حیات جاودانگی و سلامت افکار آن جامعه دیده و به کار می برند.

به واقع می توان هنر کلامی و سخن سنجی زبان فارسی را یکی از قدمهای جهانی دانست که دیگر فرهنگها و زبانهای جهان در آن گام

نهاده اند. کهن بودن زبان پارسی و ادبیات غنی آن و داستانهای قرار گرفته از اتفاقات و حوادث بوجود آمده از پیشینیان یکی از رویدادهای جهانپست که پرتو آن در جهان هستی گسترده شده است.

عالمیان یونان و ایرانیان باستان گرفته تا عارفان و حکما و فیلسوفان پارسی مانند ابوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، حافظ، سعدی، حکیم ابوالقاسم فردوسی و امام محمد غزالی و اهل علوم دیگر در علم طبیعی و ریاضی و با یک تخصص خود سخن به میان آورده و همگان را در راستای علوم خرد راهنمایی نموده اند.

در گذرگاه زمانی که در آن کیفیت ادبیات و داستانسرایی و تکنولوژی در فرایردازی آن کمال خود را سری می نماید چگونه می توان با مهارت واژه های محلی زیبایی را به خواننده منتونده انتقال نمود که مایه سرفرازی باشد. در اینجا نویسنده، ادب و حرفه ای را بیشتر در روزن وقایع در عامه ی مردم یافت نموده و ریشه ی هر کلامی را در عمق آموزه های فرهنگ از خودنمایان و آشکار می گرد. این کتاب در عین تجربه و بهره مندی از نامداران ادب فارسی به کمال خود رسید و با اندک استقلال فکری و ذهن شوق پرواز در دریای بیکران آن را با قلم به تحریر در آورده است.

این را نباید فراموش کنیم که انسان پدیده ای است که افکار و روحيات خود را در زمینه های مختلف به کار می برد.

یکی از این زمینه ها به کار گیری خاطراتی است که در گذر زمان اوقات فراقت آدمیان را پر نموده و چه بسا از بهره گیری این خاطرات با روزگار اوقات خویش را به خوشی و خرمی می گذرانند.

تا اینجا سعی نویسنده به این بوده که نقطه کوچکی از واژه های ادبیات در میان بیکران ادبیات این مرز و بوم بوده و از پنجره ای به دنیا بنگرد که ریشه در تفکار روحيات مردم سرزمین خود داشته است. از این رو سخن را از نظر فرسخندان می گذرانم که صحنه های طبیعی آن را همگان در مفاهیم معنیه از محس نمایند و ماندگار بودن فراز و نشیب آنها در مجموعه خاطرات گرانبه ای خود همواره به تصویر در آورند. توجه خوانندگان عزیز را به این نکته حایب می نمایم که کتابی را که در دست مطالعه دارند بر گرفته از عواطف و بهرانی های مردم یکی از نقاط ارزشمند سرزمین کهن ایران می باشد.

نگارنده کوشش به این دارد که خوانندگان محترم و صاحب ذوق را در آسمانی قرار دهد که قدرت پرواز را در آنسوی ابرهای لطافت، باران را احساس نمایند.

این نکته را نیز یادآور می شوم که امروزه گسترش فناوری در سطوح مختلف به ویژه در جهان غرب باعث گردیده که ذهن جوانترها گرایش فراوانی به آنها داشته باشد با همین انگیزه کوشیده ام که در گذرگاه زمان الفاظ و عنوانهایی را استفاده نمایم که زیبایی طبیعی و سنتی ادبیت خودمان را داشته تا چرخ ذوق و پژوهش ادبیات غنی این سرزمین کهن را در روحیه خوانندگان بویژه جوانان در گردش در آورم. امیدوارم به لطافت اهل نظر که هم اکنون یکی از مجموعه آثار نگارنده را از دیدگاه پر مهر خود می گذرانند کمی و کاستی هایی که در آن احساس می نمایند به دیده است در نانهایی نویسنده در رساندن پیام خود بدانند. از آنجا که هر گوداری بدون تلاش اشخاص و کمک دیگران بدست نمی آید. اینجانب نیز در این میوند مستثنی نبوده و مدیون همفکری و تلاش همسر مهربانم خانم فاطمه، فقیهی هستم که ضمن بدوش داشتن شغل آموزگاری در ثمر رساندن کودکان استثنایی به مرزهای دانش همیشه یار و همدم من بوده است و شکر کوچکترین واژه ای است که در قدردانی از صبر و بردباری او در پدیده های طبیعی زندگی از قلم خود جاری می نمایم.

غنی از ناشر

بگشای پنجره را تا نسیم محبت

تا درون برتابد

تا نسیم روح بخش بهار

تا زمین هست، تماشاگر عشق

خواهد بود

چه زیباست مصاحبت با اهل فن و ادب نمودن، و از فیض معرفت

عمری را با ترنم های روح انگیز سپری کردن.

در دنیایی که مور و ملخ به ثنای دادار هستی مشغول و عقرب و گز

در پی ریختن خون در امل فرصت، در چنین احوالی است که دوست

فرهیخته، صاحب فن و ادب، معرفت در هنر موسیقی کلاسیک و

ایرانی، مدرس آموزشگاه هنر مرحوم حسین ملک برادر زنده یاد اسداله ملک که به تدریس ساز پیانو مبادرت می ورزید. بار دیگر در عرصه ادب پا نهاده و پس از چاپ کتاب، به سفیدی برف که شامل دوبیتی و رباعیات بوده است، دست به چاپ اثر دیگری به نام پنجره ای به سوی امید، رمانی را به تصویر کشیده است.

با طمینه میری را می پیماید که نیکان دیگری پیموده و می پیمایند. تاریخ پیوسته ادب، بررسی این مرز و بوم به میراث گذارد. چه زیبا این پور ضربه به یادگار در آورده است، کسی که با طبیعت کوهستان آمیزه و سازگاری داشته و به استواری آن را بر خویشتن آسان نموده است، او که در دوران کودکی نعمت پدر محروم و در آغوش گرم مادر غنود نموده است، با تسلیم و هلاک زمانه آشناست. زمین سان برای حفظ و حراست این مرز و بوم در برابر توجعانی وارد نظام شده و تا درجه سرهنگ دومی ارتقا پیدا می کند، و موسیقی را از مقدماتی تا تکمیلی در نظام می پیماید.

او چون با دردهای جامعه آشنا بوده و آنرا لمس می نموده است، زمین سان گویند:

رهی در پیش عالم هست تاریک

شود هر روز بی سامان و باریک

شتابان می رود چون مات و مبهوت

چه فرقی در میان دور و نزدیک

او در دنیای زمانه را خوب می شناسد و احیاء نمودن عاطفه و مبارزه با فساد اخلاقی و اداره را در سرلوحه فکر و اندیشه خویش نهاده است. چون اعتقاد دارد به انسان با نور پراکنده نماید تا تاریکی زدوده شود. او که در دامن طبیعت کوهستانی طالقان یا به عرصه وجود نهاده است. و با دیدگان نافذ خویش منافذ زمینی استانه‌های گیلان و مازندران را به تماشاگاه دل برده است. چون قلبی پاک و سماطی فراغ دارد. با دیده ای باز به ستایش رمانی نموده است.

یدالله فقیهی در کتاب: به سفیدی برف می سراید:

ستاره پشت ابر شامگاهان

کند گه گاه او خود را نمایان

میان آسمان مه نیز چون او
گهی در هاله گه شفاف و تابان

در جای دیگری می گوید:

دگر باره جوان گشته گیاهان
به پا کردند جشنی تازه یاران
عروسی برده دل از سوی دلدار
سپیده برگ گل از بوی باران

نگارنده را که با او در احسن شعر و ادب آشنا شدم و سالیانی از این
آشنایی می گذرد مایه افتخار و قنار خود میدانم.
تقدیم به یداله فقیهی دوست فرهیخته

خسرو نظری ملومه: مدیر مسئول انتشارات
شاعر، نویسنده و قصه پرداز متخلص به فاخته

۹۴/۵/۲۰